

نوشته: دکتر سیدمهدی سمائی*

چکیده

نشانه‌هایی که برای سهولت خواندن یا افزودن اطلاعات به متن در نوشته‌ها به کار می‌برند، جزئی از نظام گسترده نشانه‌ها است که بشر برای ایجاد ارتباط از آن استفاده می‌کند. نشانه‌ها علائمی ذاتاً بی‌معنی هستند که افراد بشر، برحسب قرارداد و توافق، آنها را معنی‌دار کرده‌اند. ویرگول و نقطه و نقطه‌ویرگول و علامت سؤال و قلاب بخشی از نشانه‌هایی هستند که در خط به کار می‌روند.

کاربرد این نشانه‌ها در همه زبانهای دنیا یکسان نیست. یعنی این نشانه‌ای جهانی، بستگی به کاربرد آنها در رسم‌الخطهای متفاوت، تفاوتی با یکدیگر پیدا کرده‌اند. از طرفی کاربرد نشانه‌ها در رسم‌الخطهای واحد نیز گاه با هم متفاوت است. کاربرد نابجا یا چندگانه نشانه‌ها ممکن است در کار ارتباط اختلال ایجاد کند. یکسان‌سازی کاربرد رسم‌الخط، اطلاعات واحدی را به خواننده می‌رساند.

کلیدواژه‌ها: متن / رسم‌الخط / نشانه / ابزار ارتباط

برخی عقیده دارند که وسیله ارتباط آدمیان با یکدیگر، در ابتداء اشارات دست بوده است و این اشاره‌ها دارای ساختهای پیچیده شده بودند. الفاظ، به عقیده ایشان، به تدریج جای اشاره را گرفته‌اند.

هم اشارات دست و هم الفاظ، نشانه هستند. یعنی افراد بشر، با توافق میان خود و برحسب قرارداد، حرکات دست و الفاظ را معنی‌دار کرده‌اند.

نشانه‌ها امروزه در همه جا وجود دارد: علائم راهنمایی و رانندگی، نت‌های موسیقی و رقص، علائم ریاضی و غیره بخشی از نشانه‌های رایج هستند.

در نوشتن نیز نشانه‌هایی به کار می‌برند تا خواندن را روان یا اطلاعاتی را به متن اضافه کنند.

کاربرد اصلی نشانه‌ها جدا کردن کلمه‌ها و گروه‌ها و جمله‌ها از یکدیگر و مشخص کردن رابطه آنها با هم است. مشخص کردن حالات عاطفی نویسنده و آهنگ کلام و هم‌معنایی و تعیین ساختار داخلی کلمات، برخی دیگر از کاربردهای نشانه‌ها هستند. نشانه‌هایی که در خط فارسی به کار می‌روند عبارتند از نقطه، ویرگول، نقطه (گیومه)، قلاب، خط تیره، سه نقطه، ممیز، علامت سؤال، علامت تعجب، علامت تکرار، ستاره، پیکان.

۱-۲. نقطه (.)

نقطه در این موارد به کار می‌رود:

الف. در پایان جمله‌های ساده و مرکب خبری: علی به مدرسه رفت.

وقتی به خانه رسیدم او رفته بود.

ب. پس از هر اطلاعات کتابشناختی کامل در کتابنامه‌ها:

ناتل خانلری، پرویز، ۱۳۶۵، تاریخ‌زبان فارسی، نشر نو.
ج. پس از حروف اختصاری که نماینده اسم اشخاص باشد:

م.ع. علیزاده (به جای محمدعلی علیزاده)^۱

۲-۲. ویرگول (،)

ویرگول نشانه درنگ کوتاه است و در این موارد استفاده می‌شود:

الف. برای مجزا کردن گروه‌ها و کلمات و پرهیز از خلط مفاهیم:

از بالای دیوار، شهر ما را می‌توان دید.

از بالای دیوار شهر، ما را می‌توان دید.

پسر، دانشمند جوان را دید.

پسر دانشمند، جوان را دید.

ب. برای مجزا کردن گروه‌ها در مواردی که خواننده معمولاً درنگی کوتاه می‌کند:

* عضو هیئت علمی مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران

حافظ شيراز، شاعر بزرگ ايراني^۲، هرگز به سفر نمي‌رفت.

ج. براي جدا كردن جمله‌هاي پايه و پيرو:

وقتي رسيد، هنوز علي در خانه بود.

اگر بيابي، او را مي‌بينی.

د. براي جدا كردن ساختهاي دستوري مشابهي كه به توالي آمده باشند:

دانش‌آموزان، دانشجويان، ورزشكاران و تماشاگران در ورزشگاه جمع شده بودند.

موتورها، خودروها و كارخانه‌ها محيط زيست را آلوده مي‌كنند.

در خيابان بالا، سربيچ قبلي و پشت كوچه پاييني، مردم جمع شده بودند.

علي، حسن، رضا و محمد محيط زيست را دوست دارند.

هـ. براي جدا كردن اطلاعات كتابشناختي در كتابنامه‌ها:

مقربي، مصطفي، ۱۳۷۲، تركيب در زبان فارسي، توس.

و. پس از منادا:

اي استاد بزرگوار، ما از تو تشكر مي‌كنيم.

مردم، محيط زندگي را پاك نگاه داريد.

۲-۲. نقطه ويرگول (؛)

نقطه ويرگول نيز همانند نقطه و ويرگول نشانه درنگ است. زمان درنگ نقطه ويرگول بيشتر از ويرگول و كمتر از نقطه است. كاريبرد اين نشانه چنين است:

الف. قرار گرفتن بين جمله‌هايي كه از نظر دستوري مستقل ولي از نظر معنابي به هم مربوط و مكمل هم‌اند:

مردم كار را دوست دارند؛ چون بدون آن احساس مي‌كنند به هيچ كار نمي‌آيند.

روز خوبي بود؛ همه شاد بودند؛ هيچكس به فكر بدبها نبود.

ب. قرار گرفتن بين جمله‌ها يا گروههاي اسمي كه با «از اين قرار است» و «شامل اين موارد است» و

«عبارتند از» و از اين قبيل مي‌آيند و برشمرده مي‌شوند:

شرائط عضويت در باشگاه شامل اين موارد است:

دارا بودن كارت پايان خدمت؛

عضويت در كميته‌هاي ورزشي؛

داشتن سابقه قهرماني؛

نداشتن سوءپيشينه.

اعضاء بايد موارد زير را رعايت كنند:

رأس ساعت مقرر در محل حاضر باشند؛

لباسهاي ورزشي بپوشند؛

ساك مخصوص همراه داشته باشند؛

كارت عضويت را به سينه نصب كنند.

۲-۴. دو نقطه (:)

دو نقطه نيز مانند نقطه و ويرگول و نقطه

ويرگول نشانه درنگ است و براي توضيح در مورد

آنچه بيان شده مي‌آيد. اين نشانه به معني «زيرا»

و «چونكه» و الفاظي به اين معني است:

علي به مدرسه رفت: مريض شده بود.^۳

مراسم را لغو كردند: آقاي رئيس تصادف کرده بود.

دونقطه را قبل از نقل قول نيز مي‌آورند:

سعدی در گلستان چنين گفته است: «نصيحت از

دشمن پذيرفتن خطاست ...»

۲-۵. هلال (پرانتز)^۴

كاريبرد هلال از اين قرار است:

الف. براي آوردن توضيح در درون آن. اين توضيح معادل و هم‌معني آن چيزي است كه قبل از پرانتز ذكر شده. هلال در اين كاريبرد به معني «يا» و «يعني» است:

كتاب فردوسي (شاهنامه) اثري جاودان است.

ب. براي آوردن توضيحي فرعي و تكميلي كه اهميت آن كمتر از مطلبي است كه قبلاً ذكر شده:

پسرعموي او (همان كه ديروز به مسافرت رفته بود)^۵ به تازگي درسش را تمام کرده است.

او جايزه صدهزار توماني بهترين نويسنده را برد (اين جايزه قبلاً پنجاه هزار تومان بود).

ج. براي آوردن اطلاعات كتابشناختي در هنگام نقل قول مستقيم يا غيرمستقيم از متون:

تصحیح محمدبن عبدالوهاب قزوینی، چاپخانه مروی، (۱۳۶۷).

ب. قرار دادن توضیحاتی که در نمایشنامه‌ها به کار می‌آید:

دختر گل‌فروش [با روسری آبی]: خواهش می‌کنم یک گلی از من بخرید. [پس از گفتن این حرف به زمین می‌افتد.]

۲-۸. خط تیره (-)

خط تیره چنین کاربردهایی دارد:

الف. مشابه کاربرد مورد ب هلال. یعنی برای آوردن توضیحی فرعی یا مکمل که اهمیت آن کمتر از مطلبی است که قبلاً بیان شده:

علی-که تعریفش را شنیده بودی- درسش تمام شده. اگر در این حالت مطلبی که داخل دو خط تیره قرار گرفته در پایان جمله قرار بگیرد، به جای خط تیره دوم نقطه گذاشته می‌شود:

همسایه‌مان دیروز از سفر آمد- همان همسایه که او را می‌شناسی.^۸

ب. برای نشان دادن سخنان قهرمانان داستانها و نمایشنامه‌ها:

- من کتاب را خوانده بودم.

- کدام کتاب را؟

ج. برای جدا کردن اجزاء کلمات مرکب:

معاون اروپا- آمریکا، عملیات سیاسی- نظامی.

د. برای نشان دادن فاصله بین حروف به جای کلماتی نظیر «تا» و «به»:

مسیر تهران- شمال.

۲-۹. سه نقطه (...)

سه نقطه را در این موارد به کار می‌برند:

الف. به جای یک یا چند کلمه محذوف که به توالی آمده‌اند:

همه آمده بودند: پسر و دختر و پیر و ...^۹ هر کسی که در شهر بود.^{۱۰}

ب. برای نشان دادن بخشی از نقل قول:

به گفته ابوسعید ابوالخیر: «... و طریقت همه محو کَلّی و حقیقت همه حیرت است.»^{۱۱}

۲-۱۰. ممیز (/)

هر خواننده‌ای حد معنی از اصوات موسیقی را می‌تواند بخواند (خالقی، ۱۳۷۳).

د. درج حرف اول اصطلاحاتی که بعد از نام پیامبران و ائمه می‌آید:

محمد (ص)، علی (ع).

ه. قرار دادن اصطلاحات مربوط به سوره و آیه‌های قرآن کریم:

(سوره الناس، ۴)

و. برای اختیاری بودن کلمه یا عبارتی:

فاصله این بندر تا بندر بعد چند گره (دریایی) است؟

۲-۶. علامت نقل قول (« »)

علامت نقل قول در این موارد به کار می‌رود^۶:

الف. برای ذکر نقل قول:

به گفته سعدی: «هر نفسی که فرو می‌رود ممد حیات است و چون برمی‌آید مفرح ذات.»^۷

ب. هنگامی که کلمه‌ای نامتعارف یا کم کاربرد باشد؛ علامت نقل قول در این حالت برای جلب توجه خواننده به لفظ مفروض است:

فرهنگستان زبان و ادب فارسی معادل «بسپار» را به جای پلیمر انتخاب کرده است.

ج. هنگامی که نویسنده بخواهد مسئولیت کاربرد لفظی را نپذیرد:

ایشان عقیده دارند شما «دپرس» شده‌اید.

د. هنگامی که احتمال خط واژه‌ای بیگانه با یکی از الفاظ فارسی وجود داشته باشد:

«من» در زبان انگلیسی به معنی آدم و مرد است.

ه. هنگامی که با زبان فارسی درباره الفاظ زبان فارسی بحث شود:

همه می‌دانند که «من» ضمیر اول شخص مفرد است.

۲-۷. قلاب ([])

قلاب در خط فارسی دارای کاربردهایی از این دست است:

الف. گاهی مصحح در تصحیح متون کهن، مطالبی را که حذف شده می‌پندارد در آن قرار می‌دهد:

ایزد تعالی سلك احوال [جهانیان بواسطه رای] جهان‌گشای خداوند ... (مرزبان‌نامه، ص ۶۶،

مميز را در دو مورد به كار مي‌برند:

الف. براي جدا كردن روز و ماه و سال در تاريخ‌ها:

۱۳۸۲/۳/۲

ب. بين صورتهاي مختلف كلمه‌اي كه برخي

حروفش تغيير کرده است:

آمیزه/آمیزه، سپهسالار/ سپاهسالار.

۱۱-۲. علامت سنوال (?)

موارد استعمال علامت سنوال به اين شرح است:

الف. در پايان جمله‌هاي پرسشي مستقيم^{۱۲}؛ چه

در اين جمله‌ها كلمات پرسشي از قبيل «آيا» و

«كي» و «چه وقت» به كار رفته باشد يا خير:

علي به مدرسه رفته است؟

آيا علي به مدرسه رفته است؟

علي كي به مدرسه رفته است؟

ب. هنگامي كه نويسنده در مورد نکته‌اي ترديد و يا

قصد استهزاء داشته باشد. در اين صورت علامت

سنوال داخل ابرو مي‌آيد:

نخستين جام جهاني فوتبال در سال ۱۹۳۴ (?)

برگزار شد.

در جهان مشكلي به نام مشكل محيط زيست

وجود ندارد (?)

۱۲-۲. علامت تعجب (!)

علامت تعجب در پايان الفاظ و جمله‌هايي

مي‌آيد كه احساسات فرد را نشان مي‌دهد. اين

احساسات شامل تعجب و تحسين و استهزاء و

خشم و درد و رنج و افسوس هستند. علامت

تعجب را به هنگام دعا و تهديد و امر نيز به كار

مي‌برند. جمله‌ها و كلماتي كه در پايان آنها علامت

تعجب آمده، آهنگ افتان دارند:

تعجب و تحسين و استهزاء: چه كتابي! عجب

پسري! اخلاقيش چه خوب بود!

خشم: گم شو!

درد: سرم داره مي‌ترکه!

بي‌نوشت‌ها:

۱. در زبانهاي غربي خلاصه كردن اصطلاحات و قرار

دادن حروف اول به جاي صورت كامل آنها كاملاً رايج

است. اين عمل سرواژه‌سازي (acronymy) نام

رنج: دلم گرفته!

افسوس: حيف! دريغ!

دعا: خدا خيرت بدهد!

تهديد: پدريت را درمي‌آورم! بيچاره‌ات مي‌كنم!

امر: بيا اينجا!

۱۳-۲. علامت تکرار (//)

چنانچه كلمات مشابهي در چند سطر تکرار

شده باشد، در سطرهاي زيرين به جاي نوشتن

آنها از علامت تکرار استفاده مي‌شود:

الف. علي حسيني، سال دوم، رشته زبان،

دانشگاه تهران.

ب. كامران محمدي، // ، // ، دانشگاه

مشهد.^{۱۳}

ج. فرشيد ملكي، سال سوم، // ، // .

۱۴-۲. ستاره (*)

ستاره سه کاربرد دارد:

الف. علامت ارجاع دادن به زيرنويس است.^{۱۴}

ب. زبانشناسان آن را در بالاي جمله‌هايي

مي‌گذارند كه از نظر دستوري صحيح نيست:

* علي رفتن مدرسه به

ج. در زبانشناسي تاريخي در بالاي كلمات

بازسازي شده مي‌آيد. يعني كلماتي كه محقق آن

را به قياس با محتوا يا صورت متن و كلمات ديگر

ساخته است و صورتي مفروض است.

۱۵-۲. پيكان (فلش) (←)

يك کاربرد پيكان براي ارجاع دادن در فرهنگها است:

مرداد ← ا مرداد

كاربرد ديگر اين علامت هنگامي است كه بخواهند

ترتيب به دست آمدن نتيجه‌اي را نشان دهند:

سرکه+انگبين←سرکنگبين←کنگبين←سکنجبین.

دارد. چنانچه سرواژه منطبق با الكوي هجايي زبان

باشد مي‌توان آن را به صورت واژه‌اي جديد تلفظ

كرد. در غير اين صورت سرواژه را با تلفظ تك تك

گفت: «مگر نمی‌دانی پدر گفته 'هر کسی درس نخواند پسر من نیست.'»

۷. علامت نقل قول را گاهی به صورت شکسته (« و گاهی انحاءدار (())».

۸. در این کاربرد اغلب از دو نقطه استفاده می‌شود. ر.ک. ۲-۴.

۹. گاهی سه نقطه را به جای کلمات تابو می‌گذارند. یعنی کلماتی که کاربرد آنها از نظر عموم شایسته نیست.

۱۰. وقتی سه نقطه در پایان بیاید یک نقطه دیگر که نشانه پایان جمله است به آن اضافه می‌شود.

۱۱. شفیعی‌کدکنی، محمدرضا، ۱۳۶۶، حالات و سخنان ابوسعید ابوالخیر، انتشارات آگاه، ص ۷۸.

۱۲. در پایان جمله‌های پرسشی غیرمستقیم نقطه می‌آید: علی پرسید که چرا من به مسافرت نرفته‌ام.

۱۳. گاهی در کتابنامه‌ها، برای پرهیز از تکرار نام نویسنده‌ای واحد، از خط ممتد استفاده می‌شود: ناتل خانلری، پرویز، ۱۳۶۹، دستور زبان فارسی، توس.

_____ ، ۱۳۶۶، تاریخ زبان فارسی، نشر نو.

۱۴. در این کاربرد بیشتر از عدد استفاده می‌شود.

حروف آن می‌خوانند، مثلاً UNESCO به شکل یک کلمه خوانده می‌شود ولی M.S.N را ام.اس.ان. تلفظ می‌کنند. سرواژه‌هایی که در زبان فارسی ساخته شده عموماً به روش اول تلفظ می‌شود. یعنی به صورت کلمه‌ای جدید. نظیر ناجا و نزاجا و سیبا و ساواک. سرواژه‌هایی مانند د.د.ت و کا.گ.ب به همین صورت از زبانهای غربی وارد شده و فقط حروف لاتین آن به فارسی تلفظ می‌شود.

۲. نقش دستوری «شاعر بزرگ ایرانی» بدل است.

۳. کاربرد برخی نشانه‌ها تا حدی شبیه به هم است. نظیر کاربرد دو نقطه یا مورد الف نقطه ویرگول. گاهی نیز نشانه‌ای را به جای نشانه‌ای دیگر به کار می‌برند. ر.ک. ۲-۸.

۴. معادل «کمان» هم به جای پرانتز به کار رفته است.

۵. در این کاربرد از خط تیره هم استفاده می‌کنند. ر.ک. ۲-۸.

۶. علامت نقل قول در خط انگلیسی انگلستان دوجفت ویرگول برعکس است (" "). در خط انگلیسی آمریکا از دو ویرگول منفرد استفاده می‌شود ('). از نشانه نقل قول به سبک خط انگلیسی انگلستان و آمریکا نیز در خط فارسی استفاده می‌شود. گاهی که نقل قول در نقل قول آورده شود، بهتر است از نشانه نقل قول خط انگلیسی انگلستان یا آمریکا استفاده شود: علی

منابع

احمدی‌گیوی، حسن و دیگران، ۱۳۶۷، زبان و نگارش فارسی، سمت.

پژوه، محمد، ۱۳۴۶، نشانه‌گذاری، ناشر؟

خلخای، نازیلا، ۱۳۷۵، بررسی علمی شیوه خط فارسی، انتشارات ققنوس.

خیام، مسعود، ۱۳۷۳، خط آینده، مؤسسه انتشارات نگاه.

سمیعی، احمد، ۱۳۶۶، آیین نگارش، مرکز نشر دانشگاهی.

یاحقی، محمدجعفر و محمدمهدی ناصح، ۱۳۷۱، راهنمای نگارش و ویرایش، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.